

الگوی مصرف در چرخه زندگی خانوارهای شهری

زهرا رضایی قهرودی*، ندا مصطفوی**، سمانه افتخاری***

مقدمه: شناخت ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی و الگوی مصرف خانوارها در گروه‌های مختلف سنی و درآمدی و هزینه‌ای، از ابزارهای مهم برای ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی هر کشور به شمار می‌رود. این میثت همواره از موضوعات مهم اقتصادی در داده‌های خرد و کلان است که رفتار اقتصادی خانوار را در دوران عمر بررسی و تجزیه و تحلیل می‌کند. در این مقاله، الگوی مصرف خانوارهای شهری در طول سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷ تحلیل و بررسی شد که هدف آن، شناسایی تغییرات تدریجی توزیع هزینه‌ای برخی اقلام اصلی مصرفی خانوارهاست.

روش: تحقیق حاضر تحلیل توصیفی و اقتصادی براساس اطلاعات طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری در طول سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷ است. علاوه بر تحلیل توصیفی روند تغییرات مصرف خانوارها، با استفاده از مدل دیتون (دیتون، ۱۹۹۷) الگوی مصرف چرخه زندگی هم‌گروه‌ها نیز برآورد شده است. در این روش، هزینه خانوارها به آثار گروه و سن و سال تجزیه می‌شود؛ به گونه‌ای که امکان بررسی اجزای الگوی مصرف نسل‌ها در چرخه زندگی فراهم شود.

یافته‌ها: از مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق، می‌توان به تغییر الگوی هزینه خانوارهای شهری در بخش‌های مختلف هزینه‌ای در طول سال‌های بررسی شده اشاره کرد؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۷۵، سهم هزینه غیرخوراک تقریباً ۲/۵ برابر هزینه‌های خوراک بوده؛ درحالی‌که در سال ۱۳۸۷، این سهم تقریباً به ۴ برابر رسیده است. همچنین در طول سال‌های تحت بررسی، سهم هزینه‌های پوشاک و کفش کاهش چشمگیری داشته؛ درحالی‌که سهم هزینه‌های کالا و خدمات متفرقه افزایش چشمگیر و سهم هزینه‌های بهداشت، درمان، ارتباطات و انتقالات تقریباً روندی افزایشی داشته است. نتایج مدل‌بندی هزینه خانوارها نشان داد که الگوی منحنی متفاوتی از چرخه زندگی میان کالاهای مختلف مصرفی خانوارهای شهری وجود دارد؛ به گونه‌ای که الگوی هزینه‌های کالاهای بی‌دوام و بادوام و حمل‌ونقل با افزایش سن سرپرست خانوار تا ۵۵ سالگی افزایشی بوده و پس از آن، تقریباً ثابت است؛ درحالی‌که الگوی سنی هزینه خدمات فرهنگی و تفریحات، غذای آماده، هتل و رستوران در خانوارهای ایرانی تقریباً قوزدار بوده است؛ یعنی حداکثر مقدار آن در ۵۵ سالگی است. درباره پوشاک و کفش نیز الگوی هزینه قوزدار و حداکثر مقدار در ۴۵ سالگی است. همچنین الگوی مصرف خانوارها، با سرپرستی زن و مرد نیز متفاوت است.

بحث: نتایج نشان داد که قدرت خرید خانوارها در اوایل دوران زندگی کم است؛ لذا تهیه کالاهای بادوام و خدمات رفاهی و رسیدن به استانداردهای زندگی مشکل است؛ اما بعد از گذشت چندین سال کار در بخش‌های مختلف اقتصادی، با افزایش بهره‌وری افراد و خانوارها و در نتیجه، افزایش قدرت خرید آن‌ها، تهیه کالاهای خدمات رفاهی آسان شده و نیز دست‌یابی به سطح زندگی استاندارد و مطلوب فراهم شده است. از طرفی، هزینه‌های گروه‌ها یا نسل‌های جوان‌تر بیشتر از گروه‌ها و نسل‌های پیرتر است؛ حتی زمانی که در سن مشابهی هستند. این مسئله می‌تواند به دلیل رشد سریع اقتصادی باشد که منجر به بهتر شدن درآمد و به تبع آن، افزایش هزینه‌های نسل جوان‌تر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: چرخه زندگی، هزینه و درآمد خانوارهای شهری، هم‌گروه، هزینه، کالاهای بی‌دوام، کالاهای بادوام.

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۲/۳۰

* دکتر آمار، پژوهشکده آمار. <z_rezaei@src.ac.ir> (نویسنده مسئول).

** کارشناسی ارشد اقتصاد، مرکز آمار ایران.

*** دکتر آمار، دانشگاه تهران.

مقدمه

یکی از اساسی‌ترین مطالعه آماری، بررسی بودجه خانوار است که به منظور ارزیابی برنامه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی در اغلب کشورهای جهان صورت می‌گیرد. از طریق این بررسی می‌توان به چگونگی توزیع هزینه‌ها و درآمدهای خانوارها و روند تغییرات آن‌ها در دوران زندگی افراد و خانوارها پی بُرد. معمولاً در اوایل دوران زندگی ممکن است خانوار از نظر قدرت خرید، ضعیف باشد و به دنبال آن، تهیه کالاهای بادوام و خدمات رفاهی و رسیدن به استانداردهای زندگی برایش مشکل باشد. اما بعد از گذشت چندین سال کار در بخش‌های مختلف اقتصادی، انتظار این است که بهره‌وری افراد و خانوارها افزایش یابد و در نتیجه، با افزایش قدرت خرید، تهیه این گونه کالاها و خدمات رفاهی آسان شود و به زندگی استاندارد و مطلوب برسد.

مبحث چرخه زندگی همواره از موضوعات مهم اقتصادی داده‌های خرد و کلان است که رفتار اقتصادی خانوار در دوران عمر را بررسی و تجزیه و تحلیل می‌کند. برخی کمیت‌های مرتبط با شاخص‌های اجتماعی اقتصادی، نظیر هزینه کالاهای مصرفی، هزینه کالاهای بادوام، بُعد خانوار، درآمد و مصرف، الگوهای چرخه زندگی مشخص و متمایزی دارند. این نرخ‌ها معمولاً الگوی سنی کوژدار دارند؛ به گونه‌ای که در سال‌های میانی زندگی، به حداکثر مقدار خود می‌رسد و از آن به بعد، کاهش می‌شود. از طرفی، شاخص‌های اجتماعی اقتصادی در معرض تغییرات قرنی هستند؛ برای مثال، درآمد، مصرف، پس‌انداز و بُعد خانوار با توسعه اقتصاد در طول زمان، در حال تغییر است؛ در نتیجه، حتی اگر شکل الگوی نسل، برای نسل‌های پی‌در پی، یکسان و مشابه باشد، موقعیت آن‌ها از یک نسل به نسل دیگر تغییر می‌کند. نخستین ظهور نظریه چرخه زندگی از دو مقاله‌ای آغاز شد که فرانکو مودیگلیانی در ابتدای دهه ۵۰ (مودیگلیانی و برومبرگ، ۱۹۵۴) نوشت. تاریخچه و ادبیات مستندی که به کوژداربودن منحنی هزینه‌ها اشاره می‌کند، وسیع است و تقریباً به چهل سال پیش از این برمی‌گردد. به طور مثال، می‌توان به (ترو، ۱۹۶۹)، (هکمن، ۱۹۷۴)، (کارول و سامرز، ۱۹۹۱)، (آتاناسیو و وبر، ۱۹۹۵)، (آتاناسیو و

دیگران، (۱۹۹۹)، (آنجلوتوز و دیگران، ۲۰۰۱)، (گورینچاز و پارکر، ۲۰۰۲)، (فرناندز ویلاورد و کروجر، ۲۰۰۷) و (آگایار و هارست، ۲۰۰۹) اشاره کرد.

در ایران، مطالعات موردی در زمینه بررسی الگوی مصرف خانوارهای ایرانی با استفاده از داده‌های کلان صورت گرفته است؛ اما با استفاده از داده‌های خرد طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی کمتر تحلیلی صورت گرفته است، غیر از مطالعه‌ای که صالحی و مارکو (۲۰۱۱) برای هزینه کل و نه هزینه‌های بخش‌های مختلف، از جمله کالاهای بادوام، بی‌دوام، خوراک، درمان، مسکن و... انجام داده‌اند.

آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری کشور که از منابع غنی اطلاعاتی در زمینه مطالعات اقتصادی و اجتماعی خانوارهاست، از جمله طرح‌هایی است که از سال ۱۳۴۷، مرکز آمار ایران آن را برای نقاط شهری اجرا کرده است. کاربردهای اساسی و متنوع از نتایج این آمارگیری شامل بررسی الگوی مصرف و هزینه خانوارهای شهری، مطالعه روند مصرف کالاها و خدمات، ارزیابی آثار سیاست‌های اقتصادی در زمینه تأمین عدالت اجتماعی و بررسی توزیع درآمد و، امکانات و تسهیلات خانوارها، مطالعه روابط متقابل ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی خانوارها، فراهم آوردن امکان بررسی خانوارهای زیر خط فقر، اهمیت استفاده از داده‌های این آمارگیری را در بررسی‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی اجتماعی کشور نشان می‌دهد.

این مطالعه با پی‌گیری هزینه‌های مصرفی خانوارهای شهری در طول سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷، به تفکیک، هزینه کل و زیرگروه‌های هزینه‌ای، روند تغییرات مصرف این کالاها را در طول دوره تحت مطالعه بررسی کرد. همچنین به دلیل اختلاف زیاد بین رفتار بازار کار سرپرستان زن و مرد، بررسی تجزیه الگوی هزینه خانوارها به تفکیک سرپرستان زن و مرد ضروری؛ (تعداد خانوارهای با سرپرست زن -۱۰ درصد- بسیار کمتر از خانوارهای با سرپرست مرد است) است.

چارچوب نظری

داده‌های ترکیبی با دوره‌های بلند مدت در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نادر

هستند؛ اما آمارگیری‌های خانواری مستقل مقطعی به طور مکرر در دوره زمانی منظم، سالانه یا کمتر از یک سال، در این کشورها اجرا می‌شود. در چنین آمارگیری‌هایی، خانوارهای متفاوتی در هر آمارگیری انتخاب می‌شوند؛ به گونه‌ای که امکان دنبال کردن هیچ یک از افراد در طول زمان وجود ندارد؛ ولی دنبال کردن افراد هم‌گروه، یعنی افرادی که تاریخ تولد یکسان دارند، از یک آمارگیری به آمارگیری دیگر امکان‌پذیر است. بر این اساس، مهم‌ترین معیار اندازه‌گیری سطح زندگی و درآمد و مصرف، مؤلفه‌های قوی وابسته به سن در چرخه زندگی دارد که الگوی آن‌ها با رشد اقتصاد در طول زمان افزایش می‌یابد؛ بنابراین امکان بررسی اجزای الگوی مصرف و درآمد نسل‌ها را در چرخه زندگی فراهم می‌شود.

روش

در پژوهش توصیفی حاضر به منظور بررسی الگوی چرخه زندگی در ایران در طول سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷، از داده‌های خام طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری استفاده شده است. در این دوره، تغییراتی در پرسش‌نامه‌ها، کد کالاها، روش‌های برآورد و... صورت گرفته؛ لذا برای ایجاد یکسان‌سازی و مقایسه‌پذیری نتایج در سال‌های تحت بررسی، با استفاده از نرم‌افزار SAS پردازش‌هایی بر داده‌ها صورت گرفت که در نتیجه آن، هزینه‌های ناخالص در دوره تحت بررسی به تفکیک متوسط هزینه‌های ناخالص خوراکی (داخل منزل) و متوسط هزینه‌های ناخالص غیرخوراکی و خوراکی (خارج منزل)، در زیرگروه‌های اصلی هزینه‌ای ارائه شده است. زیرگروه‌های اصلی هزینه‌ای عبارتند از: ۱. پوشاک و کفش؛ ۲. مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی؛ ۳. مبلمان و لوازم خانگی و نگهداری معمول آن‌ها؛ ۴. بهداشت و درمان؛ ۵. حمل و نقل؛ ۶. ارتباطات؛ ۷. خدمات فرهنگی و تفریحی؛ ۸. آموزش و تحصیل؛ ۹. غذاهای آماده و هتل و رستوران و کالاها؛ ۱۰. خدمات متفرقه؛ ۱۱. انتقالات؛ ۱۲. سرمایه‌گذاری، بخش ساختمان و کشاورزی.

برای تحلیل توصیفی داده‌ها (زیربخش ۴-۱)، تعداد کل خانوارهای شهری بررسی شده در ۱۳ سال، ۱۶۶۸۰۹ خانوار بوده است؛ اما برای تحلیل آماری داده‌ها (زیربخش ۴-۲)،

از آنجاکه لازم است هزینه خانوارهای هم‌گروه، مثلاً ۲۰ ساله‌ها دنبال شود، به دلیل کم بودن خانوارها در برخی گروه‌های سنی، همه افراد بالاتر از ۶۵ سال در سال ۱۳۷۵ (متولدین کمتر از ۱۳۱۰ در سال ۱۳۷۵) و همچنین همه افراد کمتر از ۲۰ سال در سال ۱۳۷۵ (متولدین بالاتر از ۱۳۵۵ در سال ۱۳۷۵) از جامعه تحت بررسی حذف شدند. بنابراین، از ۱۶۶ هزار و ۸۹۰ خانوار شهری تحت بررسی، ۱۴۵ هزار و ۳۵۱ خانوار برای تحلیل آماری در مطالعه باقی مانده‌اند. بنابراین برای تحلیل آماری، جامعه بررسی شده، تمام افراد ۲۰ تا ۶۵ ساله در سال ۱۳۷۵ و به بیان دیگر، همه افراد با تاریخ تولد ۱۳۱۰ تا ۱۳۵۵ در سال ۱۳۷۵ هستند. بر این اساس، تعداد هم‌گروه‌های تحت مطالعه، ۴۶ هم‌گروه ۲۰ ساله‌ها تا ۶۵ ساله‌ها بود. در تحلیل توصیفی و آماری، از وزن نمونه‌های طرح نیز استفاده شده است. بنابراین، تعمیم نتایج به کل خانوارهای شهری در جامعه برای سال‌های تحت بررسی امکان‌پذیر است.

به منظور بررسی الگوی هزینه خانوارهای شهری در گروه‌های مختلف سنی سرپرستان خانوارها، ابتدا پس از گروه‌بندی سرپرستان خانوارها براساس ۹ گروه سنی، میانگین وزنی هزینه حقیقی سالانه ناخالص تمام خانوارها به قیمت ثابت ۱۳۸۳ در گروه‌های مختلف سنی سرپرستان خانوارها براساس ۱۲ گروه اصلی هزینه‌ای محاسبه شده است. این ۹ گروه شامل این‌هاست: ۱. کوچک‌تر و مساوی ۲۰ سال؛ ۲. ۲۰ تا ۳۰ سال؛ ۳. ۳۰ تا ۴۰ سال؛ ۴. ۴۰ تا ۵۰ سال؛ ۵. ۵۰ تا ۶۰ سال؛ ۶. ۶۰ تا ۷۰ سال؛ ۷. ۷۰ تا ۸۰ سال؛ ۸. ۸۰ تا ۹۰ سال؛ ۹. بزرگ‌تر از ۹۰ سال.

برای در نظر گرفتن تغییرات قیمت نسبی هر یک از رده‌های مصرفی در ۱۳ سال تحت مطالعه، لازم بود تورمزدایی همه رده‌های مصرفی از طریق تورمزدایی به دلار ثابت با استفاده از شاخص قیمت کالا و خدمات مصرفی صورت پذیرد. بدین منظور، برای تورمزدایی هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی خانوارهای شهری، از شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی و نیز برای تورمزدایی هزینه‌های بخش سرمایه‌گذاری از شاخص بهای تولید کننده استفاده شد که بانک مرکزی ایران و مرکز آمار ایران آن را به ترتیب تهیه کرده بودند.

به منظور برآورد موقعیت نسبی الگوی مصرف در چرخه زندگی برای هم‌گروه‌ها یا نسل‌های مختلف، داده‌های هم‌گروه را از نظر آثار سن و گروه و سال و با استفاده از مدل

آماري اقتصادي (ديتون، ۱۹۹۷) تجزيه شد. از آنجا که دامنه تغییرات هزینه خانوارها به مثابه متغیر پاسخ زیاد است؛ برای تحلیل داده‌ها با استفاده از روش باکس کاکس (باکس کاکس، ۱۹۶۴) لگاریتم هزینه، متغیر پاسخ در نظر گرفته شده است. مدل پیشنهادی دیتون (ديتون، ۱۹۹۷) برای متغیر متوسط لگاریتم هزینه‌ها برای هم‌گروه c در زمان t به صورت زیر است:

$$\ln y_{ct} = \beta + \alpha_a + \gamma_c + \psi_t + u_{ct} \quad (1-2)$$

در این مدل، اندیس c و t به ترتیب مربوط به گروه و زمان (سال) و اندیس a مربوط به سن گروه c در سال t است. بنابراین، $\ln y_{ct}$ متوسط لگاریتم هزینه هم‌گروه c در زمان t، α_a اثر سن برای سن a، γ_c اثر گروه برای هم‌گروه c و ψ_t اثر دوره برای سال t را بیان می‌کند ($c = a - t$).

به منظور اجرای مدل فوق، لازم است نحوه طبقه‌بندی هم‌گروه‌ها مشخص شود. روش مناسب آن است که هم‌گروه c سنی در سال $t = 0$ انتخاب شود. بر این اساس، c عددی بین a و t است. می‌توان به روش‌های مختلفی، آثار سن و گروه و سال را محدود کرد که از روش‌های استفاده از متغیرهای دو حالتی در مدل است. فرض کنید که A ماتریس مقادیر دودویی سن و C ماتریس مقادیر دودویی گروه و Y ماتریس مقادیر دودویی سال باشد. داده‌های هم‌گروه به صورت جفت‌های هم‌گروه-سال به گونه‌ای مرتب شده است که هر مشاهده مربوط به یک گروه در یک سال مشخص باشد. اگر m جفت مشاهده هم‌گروه-سال داشته باشیم، هر سه ماتریس A و C و Y، m سطر دارد که تعداد ستون‌ها در این سه ماتریس به ترتیب، با تعداد سن یا گروه‌های سنی و تعداد گروه‌ها و تعداد سال برابر است. بنابراین، مدل فوق می‌تواند به صورت زیر نیز نوشته شود:

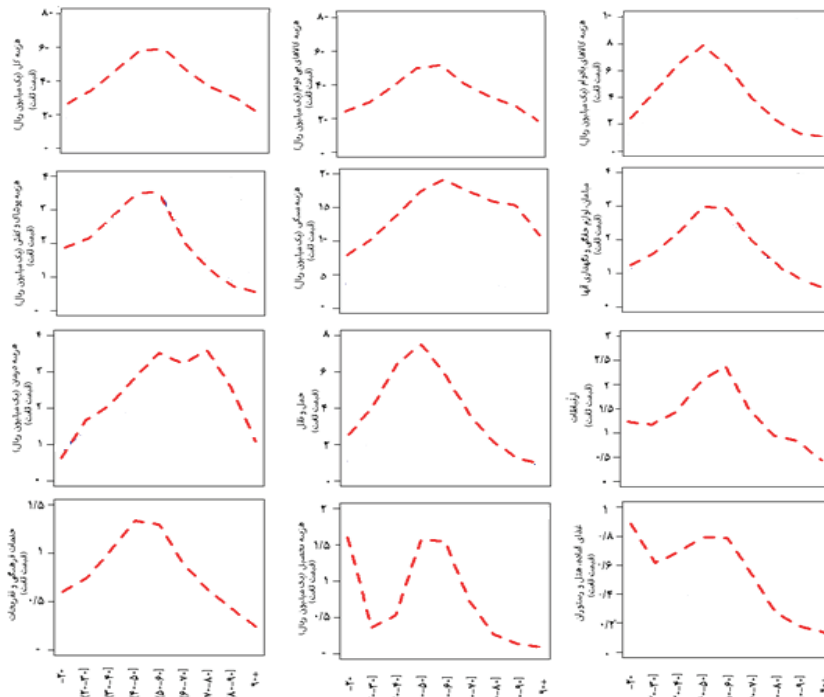
$$\ln y = \beta + A\alpha + C\gamma + Y\psi + u \quad (2-2)$$

در این مدل، $\ln y$ برداری از جفت‌های سال‌گروه است که هر سطر آن مربوط به میانگین لگاریتم مصرف هر هم‌گروه در سال خاص است. همچنین α و γ و ψ به ترتیب، بردار پارامترهای مربوط به سن و هم‌گروه و سال و u بردار خطاست (ديتون، ۱۹۹۷).

یافته‌ها

نتایج توصیفی

نمودار ۱ الگوی هزینه خانوارهای شهری در ۱۳ سال را براساس گروه‌های سنی سرپرستان خانوار نشان می‌دهد. پس از تورم‌زدایی هزینه‌ها برای کل خانوارهای نمونه از طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری (۱۶۶۸۰۹ خانوار) این نتایج به دست آمد: ۱. بیشترین هزینه خانوارها براساس هزینه کل و هزینه کالای بی‌دوام مربوط به خانوارهای با سن سرپرست ۴۰ تا ۶۰ است؛ ۲. برای هزینه کالاهای بادوام، بیشترین هزینه خانوار مربوط به خانوارهای با سن سرپرست ۴۰ تا ۵۰ است؛ ۳. در زیرگروه‌های هزینه‌ای،

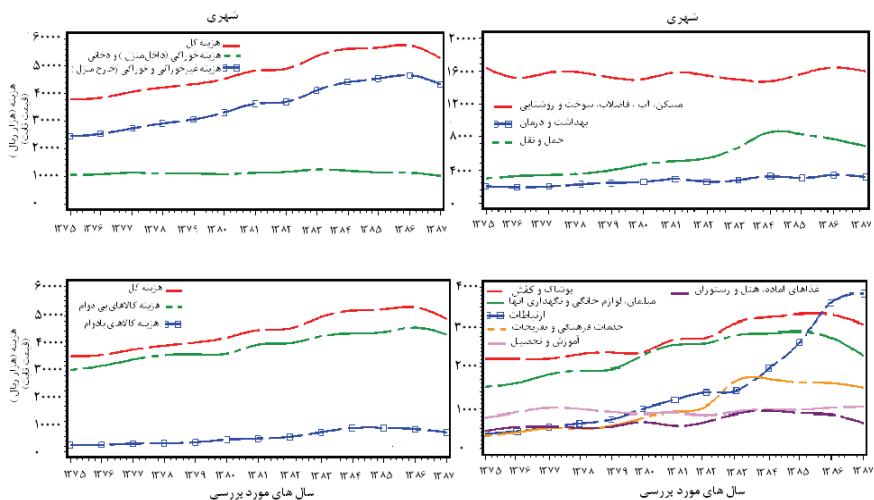


برای هزینه مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی، بیشترین هزینه‌ها مربوط به خانوارهای با سن سرپرست ۵۰ تا ۶۰ است؛ ۴. بیشترین هزینه درمان خانوارهای شهری مربوط به خانوارهای با سن سرپرست ۵۰ تا ۸۰ است؛ ۵. بیشترین هزینه ارتباطات خانوارها مربوط به خانوارهای با سن سرپرست ۵۰ تا ۶۰ است؛ ۶. برای هزینه تحصیل، بیشترین هزینه خانوار مربوط به سرپرستان کمتر از ۲۰ سال و سرپرستان ۴۰ تا ۶۰ است؛ ۷. در خصوص هزینه غذای آماده خانوارهای شهری، بیشترین هزینه مربوط به خانوارهای با سن سرپرست کمتر از ۲۰ و ۴۰ تا ۶۰ است.

نمودار ۱ الگوی هزینه حقیقی خانوارهای شهری در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷، در گروه‌های مختلف سنی به تفکیک هزینه کل کالاها، کالاهای بادوام، کالاهای بی‌دوام، پوشاک و کفش، مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی، مبلمان، لوازم خانگی، بهداشت و درمان، حمل‌ونقل، ارتباطات، خدمات فرهنگی و تفریحی، آموزش و تحصیل و غذاهای آماده، هتل و رستوران است (قیمت ثابت سال ۱۳۸۳).

نمودار ۲ الگوی هزینه خانوارهای شهری را پس از تورم‌زدایی، براساس قیمت ثابت سال ۱۳۸۳ در بخش‌های مختلف هزینه‌ای در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷ نشان می‌دهد؛ از جمله کل هزینه‌ها، هزینه‌های خوراکی (داخل منزل) و دخانی، هزینه‌های غیرخوراکی و خوراکی (خارج منزل)، پوشاک و کفش، حمل‌ونقل و ... نتایج نمودار ۲ نشان می‌دهد هزینه خوراکی (داخل منزل) و دخانی در سال‌های تحت بررسی تقریباً ثابت مانده، درحالی‌که هزینه‌های کل، هزینه‌های غیرخوراکی و خوراکی (خارج منزل)، هزینه‌های کالاهای بادوام و بی‌دوام تا سال ۱۳۸۶ افزایشی و در سال ۱۳۸۷ کاهش یافته است. هزینه‌های بهداشت و درمان تقریباً ثابت و کمی رو به افزایش بوده و هزینه‌های مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۷۷، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۶ به اوج خود

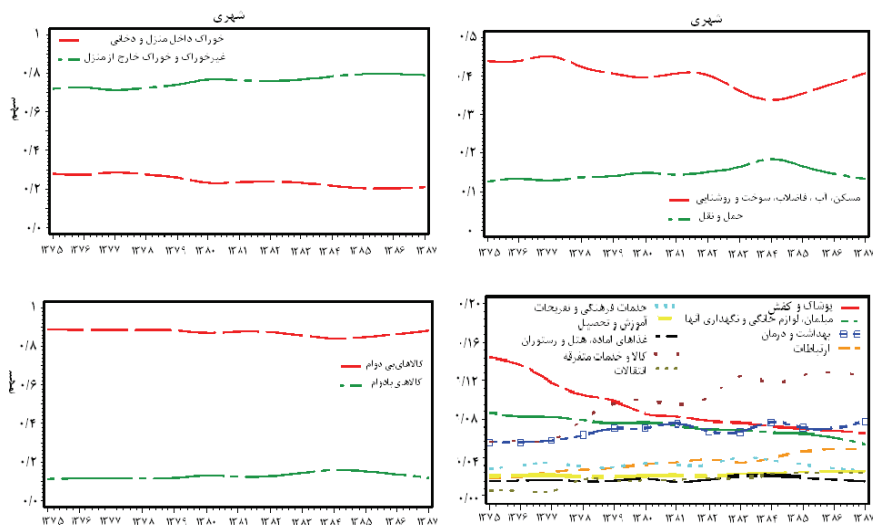
رسیده است. هزینه ارتباطات نیز در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ رشد چشمگیری داشته است. هزینه‌های مربوط به خدمات فرهنگی و تفریحات تا سال ۱۳۸۳ افزایشی بوده؛ ولی پس از آن، ثابت و رو به کاهش رفته است. هزینه‌های مربوط به حمل و نقل تا سال ۱۳۸۴ افزایشی و پس از آن، کاهشی بوده است. هزینه‌های مربوط به آموزش و تحصیل نیز در سال‌های تحت بررسی تقریباً ثابت بوده است. هزینه‌های مربوط به غذاهای آماده و هتل و رستوران تا سال ۱۳۸۱ ثابت، ولی پس از آن، تا سال ۱۳۸۴ افزایشی و پس از آن، کاهشی بوده است. هزینه‌های مربوط به کفش و پوشاک، مبلمان، لوازم خانگی و نگهداری آن‌ها تا سال ۱۳۸۶ افزایشی و در سال ۱۳۸۷ کاهشی بوده است.



نمودار ۲. الگوی هزینه خانوارهای شهری در بخش‌های مختلف، در طول سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷

به منظور بررسی تغییرات سهم انواع هزینه‌های خانوارهای شهری در سال‌های مختلف، با تقسیم میانگین وزنی هزینه‌های ناخالص سالانه کالای مدنظر به میانگین وزنی کل هزینه‌های ناخالص سالانه در هر سال، سهم هزینه کالای مدنظر در سال تحت بررسی به دست می‌آید. نتایج آن در نمودار ۳ ارائه شده است. نتایج این نمودار نشان می‌دهد که سهم

هزینه‌های خوراکی (داخل منزل) و دخانی در سال‌های تحت بررسی، در حال کاهش و در مقابل، سهم هزینه‌های غیرخوراک و خوراک (خارج از منزل) در حال افزایش است. همچنین سهم بسیاری از هزینه‌های خانوارها مربوط به هزینه‌های غیرخوراک و خوراک (خارج از منزل) است. نتایج نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۵، سهم هزینه‌های غیرخوراک تقریباً ۲/۵ برابر هزینه‌های خوراکی بوده است؛ در حالی که در سال ۱۳۸۷، سهم هزینه‌های غیرخوراکی تقریباً به ۴ برابر هزینه‌های خوراکی رسیده است. در خصوص سهم هزینه‌های کالاهای بادوام در مقابل کالاهای بی‌دوام، تا سال ۱۳۸۳، سهم هزینه‌های کالاهای بادوام و بی‌دوام تقریباً ثابت بوده است؛ در حالی که در سال ۱۳۸۴، سهم هزینه‌های کالاهای بادوام افزایش یافته و به همان نسبت، سهم هزینه‌های کالاهای بی‌دوام کاهش یافته است. از سال ۱۳۸۴ به بعد، سهم هزینه‌های کالاهای بادوام کاهش و به همان نسبت، سهم هزینه‌های کالاهای بی‌دوام افزایش یافته است. در خصوص ۱۱ زیرگروه هزینه‌های مشخص شده در نمودار ۳، نتایج نشان می‌دهد که در ۱۳ سال تحت بررسی، سهم هزینه‌های پوشاک و کفش کاهش چشمگیری داشته است؛ در حالی که سهم هزینه‌های کالا و خدمات متفرقه افزایش چشمگیری داشته و سهم هزینه‌های بهداشت و درمان و ارتباطات و هزینه‌های انتقالات تقریباً روندی افزایشی داشته است. سهم هزینه‌های مبلمان و لوازم خانگی و نگهداری آن‌ها نیز روندی کاهشی داشته؛ در حالی که هزینه‌های آموزش و تحصیل و هزینه‌های غذاهای آماده و هتل و رستوران تقریباً ثابت بوده است. هزینه‌های خدمات فرهنگی و تفریحی تا سال ۱۳۸۳، تقریباً ثابت و پس از آن، کاهشی بوده است. سهم هزینه‌های مربوط به مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی تا سال ۱۳۸۴ روندی کاهشی داشته و پس از آن، افزایشی بوده؛ در حالی که سهم هزینه‌های حمل‌ونقل از سبد هزینه‌های خانوار تا سال ۱۳۸۴ روندی افزایشی داشته و پس از آن، کاهشی شده است.

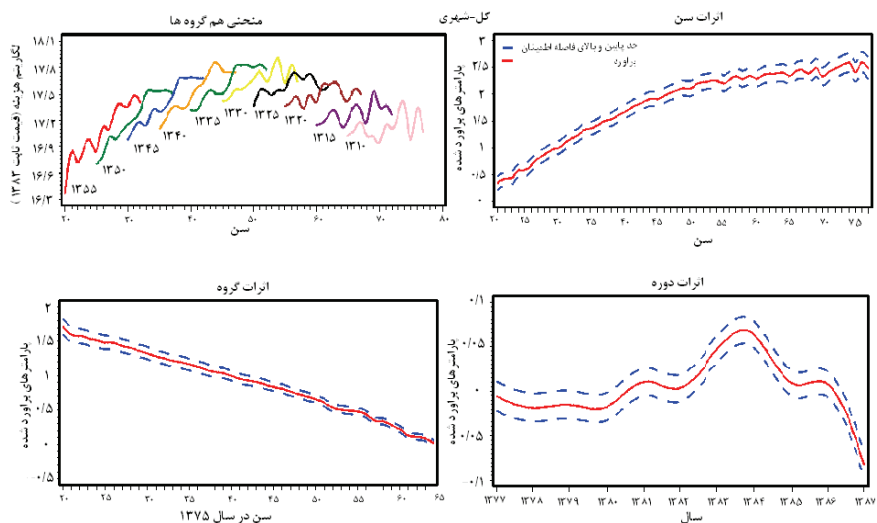


نمودار ۳. الگوی سهم هزینه خانوارهای شهری در ۱۳ بخش، در طول سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷

با تجزیه داده‌های هم‌گروه به آثار سن و گروه و سال با استفاده از مدل پیشنهادی دیتون (۱۹۹۷)، نتایج الگوی مصرف کل خانوارهای شهری در نمودار ۴ مشخص شده است. پانل سمت چپ بالای نمودار ۴، متوسط هزینه واقعی افراد هم‌گروه را در گروه‌های مختلف، بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷ بدون استفاده از مدل‌بندی نشان می‌دهد. نقاط هر یک از خطوط این شکل با دنبال کردن هم‌گروه‌ها براساس ۱۳ سال آمارگیری به دست آمده است. این پانل، الگوی واقعی هم‌گروه‌ها را براساس داده‌ها بدون هیچ تجزیه‌ای ارائه داده است. داده‌ها به گونه‌ای ساخته شده است که برای بررسی روند تغییرات هزینه‌ای همه ۳۵ ساله‌ها، از آمارگیری‌های مقطعی بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷ استفاده شده است. متوسط لگاریتم هزینه سالانه همه ۳۵ ساله‌های آمارگیری ۱۳۷۵ اولین نقطه در چهارمین خط سمت چپ شکل مدنظر و متوسط لگاریتم هزینه سالانه همه ۳۶ ساله‌های آمارگیری ۱۳۷۶ که در سال ۱۳۷۵، ۳۵ ساله بوده‌اند، دومین نقطه در چهارمین خط سمت چپ شکل مدنظر، در نظر گرفته شده

است. نقاط این خط از طریق دنبال کردن ۱۳ آمارگیری به دست آمده است که با متولدین سال ۱۳۴۰، (۳۵ ساله‌ها در سال ۱۳۷۵) شروع می‌شود و سپس، متولدین سال ۱۳۴۱ (۳۶ ساله‌ها در سال ۱۳۷۶) و در نهایت، با همه متولدین سال ۱۳۵۲ در ۴۸ سالگی در آمارگیری ۱۳۸۷ خاتمه می‌یابد. پانل سمت چپ بالای نمودار ۴ فرایند مشابهی را برای ۱۰ گروه سنی با فاصله‌های ۵ سال، یعنی ۲۰، ۲۵، ۳۰، ۳۵، ... و ۶۵ ساله‌ها در آمارگیری ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که به ترتیب، در سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۵۰، ... و ۱۳۱۰ به دنیا آمده‌اند. برای وضوح بیشتر شکل، الگوی مصرف در طول سال‌های مدنظر، فقط برای ۱۰ هم‌گروه ارائه شده است؛ ولی امکان ارائه این شکل برای همه هم‌گروه‌های ۲۰ تا ۶۵ ساله وجود دارد. گفتنی است الگوی هزینه اعضای هم‌گروه، برای مثال متولدین ۱۳۵۵، با یک خط به هم متصل شده‌اند و این ساختار باعث می‌شود دنبال کردن گروه‌های مختلف مردم یا افرادی که از یک گروه به گروه دیگر حرکت و جهش دارند، به راحتی امکان‌پذیر باشد. در این نمودار، اثر سن و گروه به وضوح برای هزینه نشان داده شده است؛ به گونه‌ای که امکان شناسایی الگوهای رایج اقتصاد کلان برای همه گروه‌ها امکان‌پذیر است. به جز استثنائات بسیار کمی در افزایش سنین، نتایج شکل نشان می‌دهد هزینه‌های گروه‌ها یا نسل‌های جوان‌تر معمولاً بیشتر از گروه‌ها و نسل‌های پیرتر است؛ حتی زمانی که در سن مشابهی هستند. گفتنی است این مسئله می‌تواند به دلیل رشد سریع اقتصادی باشد که منجر به بهتر شدن درآمد و به تبع آن، افزایش هزینه‌های نسل جوان‌تر می‌شود؛ برای مثال، متوسط لگاریتم هزینه ۲۸ ساله‌های سال ۱۳۸۳ که متولدین سال ۱۳۵۵ هستند (جوان‌ترین گروه که اولین گروه سمت چپ در نمودار است)، تقریباً یک‌ونیم برابر متوسط لگاریتم هزینه ۲۸ ساله‌هایی است که ۵ سال جلوتر به دنیا آمده‌اند؛ یعنی متولدین سال ۱۳۵۰ (۲۸ ساله دومین گروه). اگر اطلاعات برای دوره‌های بیشتری (بیشتر از ۱۳ سال) وجود داشت، با طولانی‌تر شدن خط‌های هم‌گروه‌ها در پانل سمت چپ نمودار ۶، امکان اظهارنظر درباره متوسط لگاریتم هزینه ۲۸ ساله‌هایی که ۱۰ سال زودتر به دنیا آمده بودند، یعنی متولدین سال ۱۳۴۵ (۲۸ ساله سومین گروه) نیز وجود داشت. همچنین نتایج این پانل نشان می‌دهد الگوی سن از طریق آثار گروه تفکیک شده است؛ اما آشکار است که هزینه‌ها در سال‌های

اولیه زندگی، تمایل به رشد با سرعت بیشتری نسبت به سال‌های پس از ۵۰ سالگی دارند؛ در نتیجه، می‌توان گفت، نه تنها هزینه گروه‌های جوان‌تر بیشتر از اجدادشان است، بلکه آن‌ها تجربه رشد هزینه را با سرعت بیشتر هم داشته‌اند. بررسی آثار اقتصاد کلان از طریق پانل سمت چپ بالای نمودار ۴ شاید سخت‌تر از پانل‌های دیگر در این نمودار باشد تا بتواند اثر کاهش سرعت رشد اقتصادی و عوامل دیگر اقتصادی در کشور ایران را نشان دهد. این گونه تجزیه هزینه به آثار گروه و سن و سال می‌تواند به گونه‌ای فرمول‌بندی شود که حتی زمانی که داده‌ها نیز سالانه نباشند، امکان تجزیه هزینه وجود داشته باشد. سه پانل باقی‌مانده در نمودار ۴، تجزیه متوسط لگاریتم هزینه را به متغیرهای دو حالتی سن و گروه و سال نشان می‌دهد. پانل گوشه راست بالای نمودار ۴، اثر سن بر آورد شده را نشان می‌دهد. براساس این نمودار، هزینه‌ها تابعی مقعر از سن هستند. اگرچه افزایش کمی در هزینه‌ها بعد از ۵۰ سالگی سرپرست خانوار دیده می‌شود، کاهش واضحی هم در سنین بالا دیده نمی‌شود.



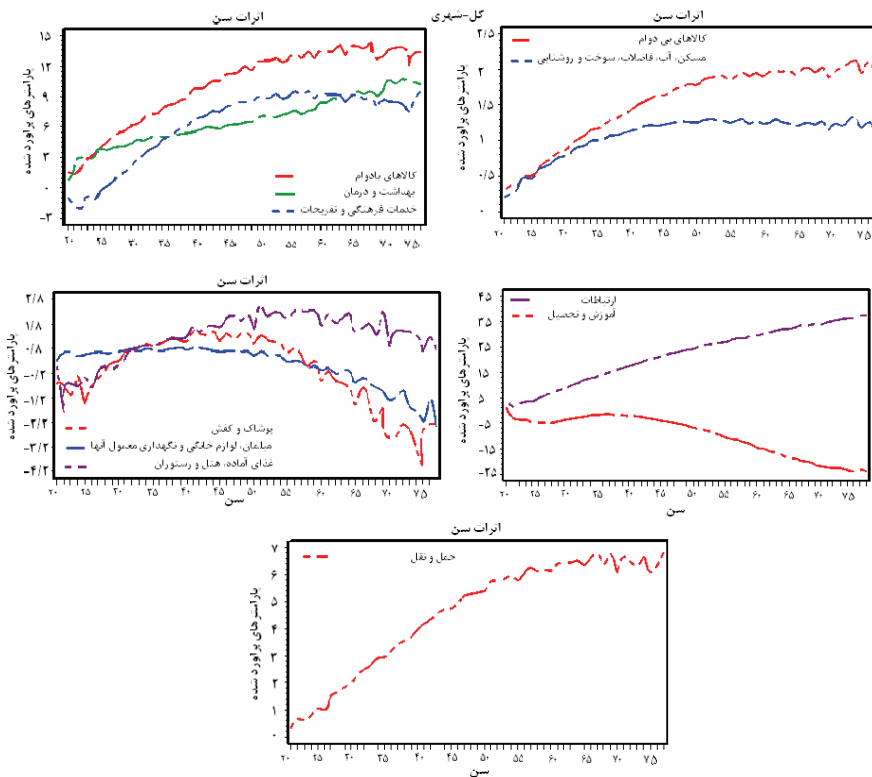
نمودار ۴. متوسط هزینه کل خانوارهای شهری به تفکیک هم‌گروه‌ها و تجزیه‌های آن

پانل سمت چپ بالای نمودار ۴ نیز الگوی قوزداری از هزینه‌ها را نشان می‌دهد؛ ولی دلیل قوزداربودن آن بیشتر از آثار هم‌گروه به دست آمده است و نه از آثار سن. آثار گروه در نمودار سمت چپ پایینی، با افزایش سن کاهش می‌یابد. هرچه فرد زودتر متولد شده باشد، در سال ۱۳۷۵ مسن‌تر است و سن او در سال ۱۳۷۵، مقدار هم‌گروه آن فرد است. نتایج این پانل نشان دهنده رشد ثابت و مداومی از یک گروه به گروه دیگر است. آخرین نمودار برآورد شده که آثار سال را نشان می‌دهد، از طریق معادله رگرسیونی معرفی شده است که نسبت به آثار سن و گروه اهمیت کمتری دارد. باین وجود، آثار سال الگوی مشخصی را نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که با رشد اقتصادی سریع‌تر در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ و رشد اقتصادی آهسته‌تر در اواخر دوره، یعنی بعد از سال ۱۳۸۴ مواجه است.

به منظور بررسی الگوی چرخه زندگی در زیرگروه‌های هزینه‌ای، از جمله هزینه‌های پوشاک و کفش، مسکن، مبلمان، بهداشت و درمان، حمل‌ونقل و ارتباطات و...، نمودار ۵ نشان می‌دهد که پس از حذف اثر گروه، با افزایش سن سرپرست، هزینه‌های درمان و ارتباطات در طول سال‌های تحت بررسی، همواره در حال افزایش است؛ درحالی‌که هزینه‌های کالاهای بی‌دوام و بادوام و حمل‌ونقل با افزایش سن سرپرست خانوار تا ۵۵ سالگی افزایشی بوده و پس از آن، تقریباً ثابت شده است. هزینه مسکن، آب، فاضلاب و سوخت با افزایش سن سرپرستان خانوار تا ۴۵ سالگی افزایشی بوده و پس از آن، ثابت است. الگوی سنی هزینه خدمات فرهنگی و تفریحات، غذای آماده، هتل و رستوران در خانوارهای ایرانی تقریباً قوزدار است و ماکسیمم مقدار هزینه برای خانوارهای با سن سرپرست ۵۵ سال است و پس از آن، با افزایش سن سرپرست خانوار این نوع هزینه‌ها کاهش می‌یابد. پوشاک و کفش با افزایش سن سرپرستان خانوار تا ۴۵ سالگی افزایشی بوده و پس از آن، با سرعت بسیار، کاهش می‌یابد. الگوی سنی هزینه مبلمان و لوازم خانگی و نگهداری معمول آن‌ها در خانوارهای شهری تا ۵۰ سالگی سرپرستان خانوارها تقریباً ثابت بوده و پس از آن، کاهش می‌یابد. بیشترین هزینه آموزش و تحصیل به خانوارهای با سن سرپرست ۲۰ و ۴۰ سال تعلق دارد و پس از ۴۰ سالگی، کاهش می‌یابد.

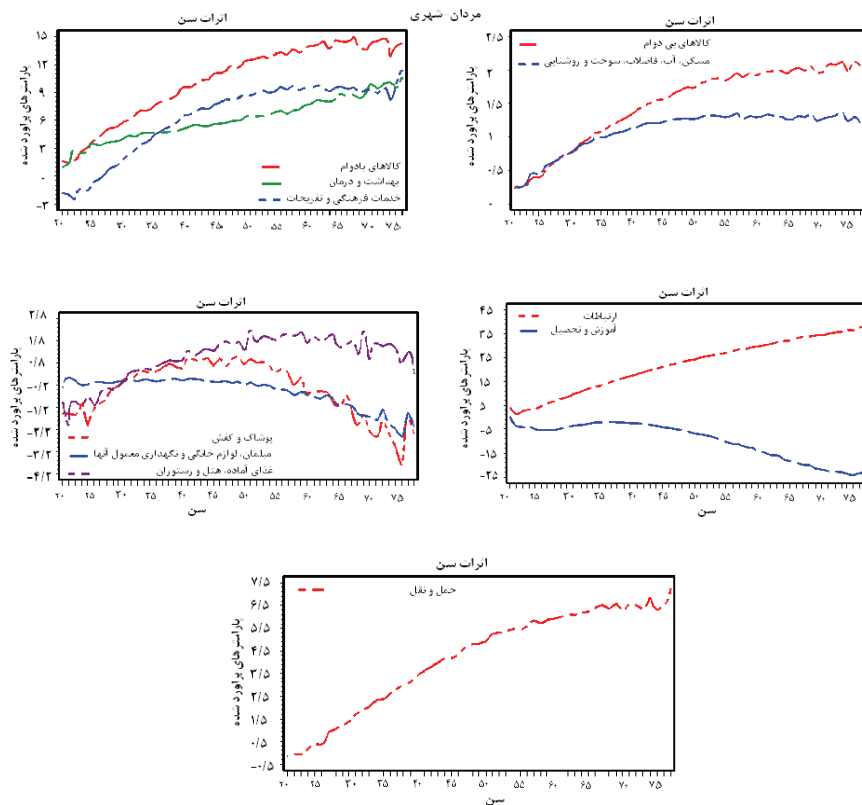
داده‌ها نیز نقش اساسی مخارجی را حمایت می‌کنند که رابطه نزدیکی با هزینه فرصت زمانی خانوار دارند. این رده‌ها که شامل پوشاک و کفش و حمل‌ونقل هستند با ورودی‌های

تجهیزات بازار کار مرتبطاند و نیز با خوراک که به تولید خانگی مربوط است. از آنجاکه هزینه فرصت زمانی در دوران چرخه زندگی کاهش می‌یابد، برخی خانوارها مخارج کمتری را برای نیروی کار و هزینه‌های مرتبط با کار و کالاهایی اختصاص می‌دهند که در کار تولید می‌شود؛ حتی اگر هیچ تغییری در منابع یا ترجیحات طول عمرشان رخ ندهد. چنین مخارج مرتبط با کار و غذا تمامی نزول در هزینه‌های بی‌دوام را پس از سنین میان‌سالی منجر می‌شوند. کاهش در هزینه‌های غذای خارج از منزل پس از سنین میان‌سالی، به دلیل کاهش



نمودار ۵. متوسط زیرگروه‌های هزینه‌های خانوارهای شهری به تفکیک گروه‌های سنی

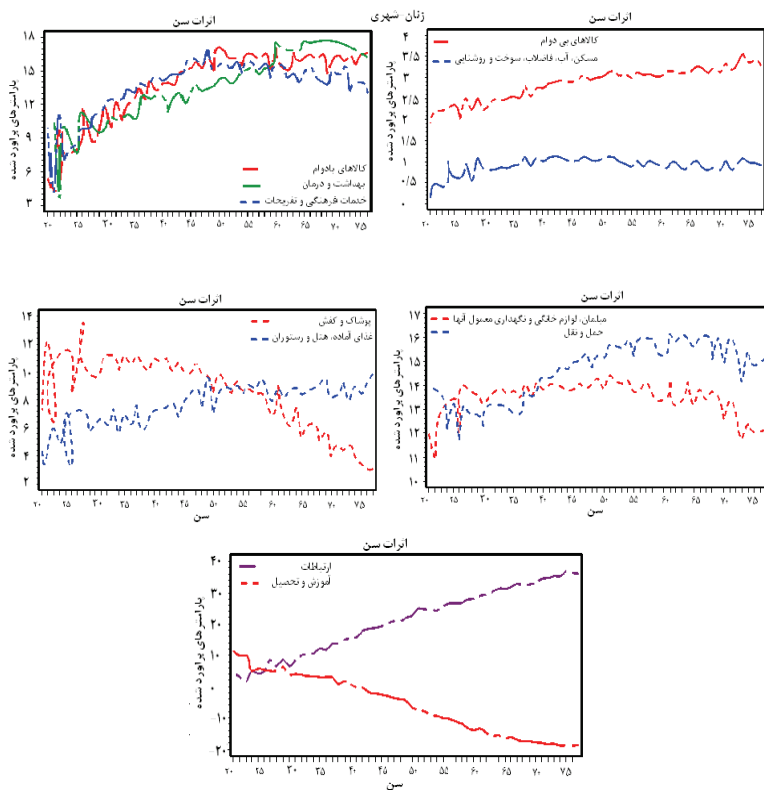
در فراوانی افرادی است که از غذاهای آماده استفاده می‌کنند یا به کافه و رستوران‌ها می‌روند و هیچ نشانه‌ای برای کاهش استفاده از رستوران‌ها با خدمات صرف غذا نیست. این موضوع با این نظریه سازگار است که غذای خارج از منزل جزو مخارج مرتبط با کار است؛ به خصوص که به تغییرات و حرکات در دوران چرخه زندگی مرتبط است. به دلیل اختلاف بسیار بین رفتار بازار کار سرپرستان زن و مرد، الگوی مصرف خانوارها به تفکیک سرپرستان زن و مرد نیز ارائه شده است.



نمودار ۶ متوسط هزینه زیرگروه‌های هزینه‌های خانوارهای شهری با سرپرست مرد به تفکیک گروه‌های سنی

نتایج نشان می‌دهد R^2 مدل برای کل سرپرستان و سرپرستان مرد و سرپرستان زن به ترتیب، برابر با ۰/۹۴ و ۰/۹۶ و ۰/۵۷ است. الگوی چرخه زندگی در زیرگروه‌های هزینه‌ای از جمله هزینه‌های پوشاک و کفش، مسکن، مبلمان، بهداشت و درمان، حمل و نقل و ارتباطات و... برای سرپرستان مرد در نمودار ۶ معرفی شده است. نتایج الگوی آثار سن زیرگروه‌های هزینه‌ای خانوارهای با سرپرست مرد نیز مشابه هزینه کل خانوارهای شهری است.

نمودار ۷ الگوی چرخه زندگی سرپرستان زن خانوارهای شهری را در زیرگروه‌های هزینه‌ای ارائه داده است. آثار سن زیرگروه‌های هزینه‌ای سرپرستان زن متفاوت از سرپرستان



نمودار ۷. متوسط هزینه زیرگروه‌های هزینه‌ای خانوارهای شهری با سرپرست زن به تفکیک گروه‌های سنی

مرد شهری است، به گونه‌ای که هزینه مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی و همچنین هزینه مبلمان و لوازم خانگی و نگهداری معمول آن‌ها برای سرپرستان زن در دوران زندگی پس از ۳۰ سالگی سرپرست خانوار تقریباً ثابت است. هزینه کالاهای بی‌دوام و بادوام، با شیب تندتری، تا ۴۵ سالگی افزایشی و پس از آن، ثابت است. الگوی سنی هزینه خدمات فرهنگی و تفریحات تقریباً کوهانی شکل است، به گونه‌ای که هزینه‌ها تا ۴۵ سالگی به بیشترین مقدار می‌رسد و پس از آن، کاهش می‌شود. الگوی هزینه درمان و بهداشت و حمل‌ونقل و ارتباطات همانند الگوی سنی سرپرستان مرد، افزایشی است. الگوی هزینه تحصیل و آموزش خانوارهای با سرپرست زن کاهش‌ی است. همچنین هزینه پوشاک و کفش این خانوارها تا ۴۵ سالگی سرپرستان زن خانوار ثابت و پس از آن، کاهش‌ی است.

بحث

در این مقاله به بررسی تغییرات هزینه خانوارهای شهری ایرانی در طول سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷ پرداخته شد. بررسی توصیفی در بخش‌های مختلف هزینه‌ای خانوارهای شهری نشان داد هزینه خوراکی (داخل منزل) و دخانی در طول سال‌های تحت بررسی تقریباً ثابت مانده؛ درحالی‌که هزینه‌های کل و هزینه‌های غیرخوراکی و خوراکی (خارج منزل)، هزینه‌های کالاهای بادوام و بی‌دوام تا سال ۱۳۸۶ افزایشی و در سال ۱۳۸۷ کاهش‌ی شده است. هزینه‌های آموزش و تحصیل، غیر از سال ۱۳۷۷ و بهداشت و درمان تقریباً ثابت و کمی رو به افزایش بوده و هزینه‌های مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۷۷، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۶ به اوج خود رسیده است. هزینه‌های مربوط به غذاهای آماده و هتل و رستوران تا سال ۱۳۸۱ ثابت، ولی پس از آن، تا سال ۱۳۸۴ افزایشی و سپس کاهش‌ی بوده است. هزینه‌های مربوط به کفش و پوشاک و مبلمان، لوازم خانگی و نگهداری آن‌ها تا سال ۱۳۸۶ افزایشی و در سال ۱۳۸۷ کاهش‌ی بوده است. غیر از هزینه ارتباطات که در طول سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ رشد چشمگیری داشته است؛ بقیه هزینه‌ها

از جمله هزینه‌های خدمات فرهنگی و تفریحات و حمل‌ونقل تقریباً تا سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۴ افزایشی، ولی پس از آن، ثابت و رو به کاهش بوده است.

بررسی تغییرات سهم انواع هزینه‌ها در سال‌های مختلف نشان داد که سهم هزینه‌های خوراک (داخل منزل) و دخانی در طول سال‌های تحت بررسی در حال کاهش و در مقابل، سهم هزینه‌های غیرخوراک و خوراک (خارج از منزل) در حال افزایش بوده است؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۷۵، سهم هزینه غیرخوراک تقریباً ۲/۵ برابر هزینه‌های خوراک بوده است؛ در حالی که در سال ۱۳۸۷ سهم هزینه غیرخوراک تقریباً به ۴ برابر هزینه‌های خوراک رسیده است. در خصوص زیرگروه‌های دیگر هزینه‌ای، نتایج نشان داد در طول ۱۳ سالی که بررسی شدند، سهم هزینه‌های پوشاک و کفش، کاهش چشمگیری داشته؛ در حالی که سهم هزینه‌های کالا و خدمات متفرقه افزایش چشمگیری داشته و سهم هزینه‌های بهداشت و درمان و ارتباطات و انتقالات تقریباً روندی افزایشی داشته است. سهم هزینه‌های مبلمان و لوازم خانگی و نگهداری آن‌ها روندی کاهشی داشته؛ در حالی که هزینه‌های آموزش و تحصیل و هزینه غذاهای آماده و هتل و رستوران تقریباً ثابت بوده است. هزینه خدمات فرهنگی و تفریحی تا سال ۱۳۸۳ تقریباً ثابت و پس از آن، کاهشی شده است. سهم هزینه‌های مربوط به مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی تا سال ۱۳۸۴ روندی کاهشی داشته و پس از آن، افزایشی بوده؛ در حالی که سهم هزینه‌های حمل‌ونقل تا سال ۱۳۸۴ روندی افزایشی و پس از آن، کاهشی بوده است.

نتایج بررسی توصیفی الگوی هزینه خانوارهای شهری در بخش سرمایه‌گذاری کل و بخش ساختمان و کشاورزی نشان داد بیشترین سرمایه‌گذاری کل و سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان نقاط شهری در خانوارهای با سرپرست ۳۰ تا ۴۰ سال بوده است. مقایسه الگوی سرمایه‌گذاری خانوارها در طول سال‌های تحت بررسی نشان داد، سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان که سهم عمده‌ای از سرمایه‌گذاری خانوارها را تشکیل می‌دهد، در دو سال ۱۳۸۱ و ۱۳۸۶ به اوج خود رسیده است که نشان دهنده رونق اقتصادی و بهره‌وری فراوان در این سال‌ها بوده است.

بررسی تحلیلی الگوی چرخه زندگی و هزینه خانوارهای شهری به تفکیک هم‌گروه‌ها و تجزیه آن‌ها، با در نظر گرفتن اثر سن، نشان دهنده کوهانی شکل بودن آن است که با شیئی ملایم تا ۵۰ سالگی افزایش داشته و افزایش هزینه‌ها با شیئی ملایم‌تر پس از ۵۰ سالگی ادامه می‌یابد و در محدوده ۷۰ تا ۷۵ سالگی هموارتر می‌شود؛ اما کاهش محسوسی ندارد. همچنین گروه‌های جوان‌تر نسبت به پیشینیان خود وضع رفاهی بهتری داشته‌اند. در واقع از تجزیه هزینه خانوار براساس اثر گروه، نموداری صعودی به دست می‌آید که بیانگر بهبود وضع هر نسل نسبت به نسل‌های پیش از خود است. بررسی هزینه‌های دوران زندگی در خانوارهای شهری به تفکیک اثر دوره با تغییرات رشد اقتصادی ایران هم‌خوانی دارد. به گونه‌ای که با کاهش رشد اقتصادی در نیمه دوم دهه ۷۰ شمسی هزینه دوران زندگی نیز کاهش داشته که ناشی از بروز بحران نفتی و در پی بحران اقتصادی آسیای جنوب شرقی بود و افزایش رشد اقتصادی در ابتدای دهه ۸۰ به صورت افزایش هزینه دوران زندگی دیده شده است.

نتایج مربوط به اثر سن در زیرگروه‌های هزینه‌ای خانوارهای شهری نشان داد پس از حذف اثر گروه، با افزایش سن سرپرست، هزینه‌های درمان و ارتباطات در طول سال‌های تحت بررسی، همواره در حال افزایش بوده است؛ در حالی که هزینه‌های کالاهای بی‌دوام و بادوام و حمل‌ونقل با افزایش سن سرپرست خانوار تا ۵۵ سالگی افزایشی بوده و پس از آن، تقریباً ثابت شده است. الگوی سنی هزینه خدمات فرهنگی و تفریحات، غذای آماده، هتل و رستوران در خانوارهای ایرانی تقریباً قوزدار بوده و ماکسیمم مقدار هزینه، برای خانوارهای با سن سرپرست ۵۵ سال است و پس از آن، با افزایش سن سرپرست خانوار این نوع هزینه‌ها کاهش یافته است. هزینه مسکن، آب، فاضلاب و سوخت با افزایش سن سرپرستان خانوار تا ۴۵ سالگی افزایشی و پس از آن، ثابت شده است. هزینه پوشاک و کفش با افزایش سن سرپرستان خانوار تا ۴۵ سالگی افزایشی و پس از آن، با سرعت زیادی کاهش یافته است. الگوی سنی هزینه مبلمان و لوازم خانگی و نگهداری معمول آن‌ها در

خانوارهای شهری تا ۵۰ سالگی سرپرستان خانوارها تقریباً ثابت بوده و پس از آن، کاهش است. بیشترین هزینه آموزش و تحصیل به خانوارهای با سن سرپرست ۲۰ و ۴۰ سال تعلق دارد و پس از ۴۰ سالگی کاهش است.

بررسی هزینه دوران زندگی به تفکیک جنس سرپرست خانوار در خانوارهای شهری نشان داد الگوی هزینه خانوارهای دارای سرپرست مرد به تفکیک هم گروه‌ها به الگوی هزینه کل بسیار نزدیک است. این شباهت در بررسی زیرگروه‌های هزینه‌ای نیز خود را نشان می‌دهد. در خصوص خانوارهای دارای سرپرست زن الگوی موجود، تفاوت فاحشی از الگوی هزینه کل دارد که این تفاوت می‌تواند ناشی از مشکلات و موانع موجود در ورود زنان به بازار کار و همچنین کاهش سهم زنان سرپرست خانوار از کل سرپرستان باشد.

- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۷)، آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری.
- رضایی قهرودی، زهرا و دیگران. (۱۳۹۰)، تحلیل الگوی مصرف در چرخه زندگی، پژوهشکده آمار.
- Aguiar, M. and Hurst, E. (2009), *Deconstructing Lifecycle Expenditur*, Unpublished manuscript.
- Angeletos, G., and et al. (2001), The Hyperbolic Consumption Model: Calibration, Simulation, and Empirical Evaluation, *Journal of Economic Perspectives*, 15(3), 47-68.
- Attanasio, O., Banks, J., Meghir, C. and Weber, G. (1999), Humps and Bumps in Lifetime Consumption, *Journal of Business and Economic Statistics*, 17(1), 22-35.
- Attanasio, O., and Weber, G. (1995), Is Consumption Growth Consistent with Intertemporal Optimization? Evidence from the Consumer Expenditure Survey, *Journal of Political Economy*, 103(6), 1121-1157.
- Box G. E. P. and Cox D. R. (1964), An analysis of transformations, *Journal of the Royal Statistical Society, Series B*, 26 (2): 211-252.
- Carroll, C. and Summers, L. (1991), *Consumption Growth Parrells Income Growth: Some New Evidence*, In National Saving and Economic Performance, edited by B. Douglas Bernheim and John Shoven, Chicago: University of Chicago Press.
- Deaton A. (1997), *The Analysis of Household Surveys: A Micro econometric Approach to Development Policy*, Baltimore, Johns Hopkins University Press for the World Bank.
- Fernandez-Villaverde, J. and Krueger, D. (2007), Consumption Over the Life Cycle: Some Facts from Consumer Expenditure Survey Data, *Review of Economics and Statistics*, 89(3): 552-565.
- Gourinchas, P. and Parker, J. (2002), Consumption over the Life Cycle, *Econometrica*, 70(1), 47-89.
- Heckman, J. (1974), Life Cycle Consumption and Labor Supply: An Explanation of the Relationship Between Income and Consumption Over the Life Cycle, *American Economic Review*, 64(1), 188-94.
- Modigliani, F., and Richard H. B. (1954), *Utility analysis and the consumption function: an interpretation of cross-section data*, in Kenneth K, Kurihara, ed., Post-Keynesian Economics, New Brunswick, NJ. Rutgers University Press, 388-436.
- Modigliani, F., and Brumberg, R. H. (1990), *Utility Analysis and Aggregate Consumption Functions: An Attempt at Integration*, in Andrew Abel, ed., The Collected Papers of Franco Modigliani: Volume 2, *The Life Cycle Hypothesis of Saving*, Cambridge, MA. The MIT Press. Pp. 128-197.
- Salehi-Isfahani, J. and Marku, M. (2011), Reversal of fortunes: the rise and fall of lifetime earnings of Iranian men, *Economic Development and Cultural Change*, 59(4), 877-906.
- Thurow, L. (1969), The Optimum Lifetime Distribution of Consumption Expenditures, *American Economic Review*, 59(3), 282-97.